

ارائه الگوهای پیش‌بینی کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه

محدثه بالاگیری^۱، سعیده السادات حسینی^۲

۱. گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و ششم، مهرماه ۱۳۹۸، صفحات ۵۳-۲۹

چکیده

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگوهای پیش‌بینی کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه انجام گرفت. روش تحقیق پیمایشی، و ابزار اندازه‌گیری و سنجش، پرسشنامه‌های کیفی و کمی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه است. روش نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند و به‌صورت نمونه گلوله برفی بود و از بین این زوجین شهر کرمانشاه ۱۹ نفر به‌صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند و به روش مصاحبه نیمه ساختارمند سوالات پرسشنامه را جواب دادند. همچنین در بخش دوم این پژوهش، پس از به دست آمدن مدل مفهومی پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه بود که تعداد آن‌ها ۵۰۰ نفر بود و روش نمونه‌گیری در این بخش به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس بود و تعداد اعضای نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۱۷۰ به دست آمد. سوالات حاصل از مصاحبه در نرم‌افزار MAXQDA 2018 وارد و با استفاده از این نرم‌افزار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و جواب‌های حاصله در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی بررسی شدند و مدل مفهومی پژوهش استخراج گردید. سپس مدل مفهومی پژوهش به‌وسیله نرم‌افزار AMOSS 24 مورد برازش قرار گرفت و فرضیات پژوهش بررسی گردیدند. نتایج نشان داد که سبک‌های فرزند پروری بر طلاق عاطفی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج نشان داد سبک‌های دل‌بستگی بر طلاق عاطفی تأثیر دارد. همچنین سبک‌های ارتباطی بر طلاق عاطفی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های ارتباطی، سبک‌های فرزند پروری.

مقدمه

زندگی زناشویی که یک جنبه مهم از زندگی خانوادگی است، سلامت و بهزیستی افراد را شکل می‌دهد، سلامت و بهزیستی افراد را شکل می‌دهد (آلندروف^۱ و همکاران، ۲۰۱۳)، با سلامت جسمانی و روان‌شناختی زوجین همبستگی بالایی دارد (آمبرسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۶؛ کیکولت^۳ و همکاران، ۲۰۰۱) و بیانگر سلامت، بهزیستی و ثبات در ازدواج است (کیکووت^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد، شهابی و اکبری زردخانه، ۱۳۸۶). هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵). ازدواج، مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد (موسایی^۵، ۲۰۱۱). طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرومی‌باشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه‌ی آن خانواده صرفاً ساختار بیرونی خود را حفظ می‌کند، ولی از درون تهی می‌شود که به این حالت طلاق عاطفی گفته می‌شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۱). هم‌زمان با رشد فزاینده‌ی آمار طلاق، برخی از خانواده‌ها، با کاهش فضای عاطفی خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده روبه‌رو هستند که این پدیده می‌تواند به طلاق عاطفی منجر شود. از آنجاکه طلاق عاطفی درجایی به صورت رسمی ثبت نمی‌شود، نمی‌توان آمار دقیقی در رابطه با آن گزارش داد و همین امر، پژوهش پیرامون آن را حساس و دشوار می‌سازد. اگرچه این نوع طلاق درجایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین نوع طلاقی است که زوجین و فرزندان زیادی از آن رنج

¹ Allendorf

² Umberson

³ Kiecolt-Glaser

⁴ Knobloch

⁵ Musaei

می‌برند (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲). طلاق عاطفی مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده است و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن جزء اولویت‌ها به شمار می‌رود. اگرچه تعارض و اختلاف در زندگی زناشویی طبیعی است، درعین حال در صورت تشدید شدن می‌تواند اثر بسیار بدی بر سلامت روانی اعضای خانواده داشته باشد. کودکان خانواده‌هایی که دچار تعارض و طلاق هستند، در معرض خطر انواع مشکلات رفتاری و عاطفی هستند و علائمی همچون رفتار عنادورزی، پرخاشگری و علائم افسردگی از خود نشان می‌دهند. این عوامل و عوامل دیگری چون وجود فرزندان، نیاز مادی، نگرش منفی به طلاق، نداشتن پشتوانه مادی و روانی، مخالفت خانواده‌ها، ترس از دست دادن موقعیت خانوادگی و اجتماعی، ترس از تنهایی، ترس از مخدوش شدن حیثیت اجتماعی، شخصیت و سواسی، نداشتن قدرت تصمیم‌گیری، ترس از آینده مبهم، ترس از طرد شدن توسط اطرافیان و یا حتی عادت نمودن به زندگی مشترک، باعث می‌شود زوجین بدون داشتن ارتباط عاطفی و جنسی به زندگی زناشویی خود ادامه دهند و طلاق عاطفی را تجربه کنند ولی حرفی از طلاق به میان نیاورند (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است؛ اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست؛ زیرا در کنار آن، آمار بزرگ‌تری به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. طلاق عاطفی نوعی ناهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در کنار هم زندگی می‌کنند، اما زندگی زناشویی آن‌ها فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است (سودانی و همکاران، ۱۳۹۵).

روابط، زناشویی، نقش اساسی در ارزیابی کلی کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی دارد؛ به‌عبارت‌دیگر کیفیت روابط زناشویی و میزان شادمانی، تابع نحوه تعامل زن و شوهر و روش‌های مقابله‌ی آن‌ها با موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است (برادبوری و همکاران، ۲۰۰۰). کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (افروز، ۱۳۸۹). این روابط را می‌توان بر اساس میزان عاطفه‌ای که در

آن وجود دارد، از عاشقانه تا رسمی و منفعلانه تقسیم نمود که در آن‌ها میزان عاطفه، به تدریج از اوج عاطفه به یک رابطه رسمی با کمترین حس عاطفی تنزل می‌یابد. طلاق عاطفی^۱ معمولاً آسیب پنهان خانواده‌هاست که انکار می‌شود، سرمایه عاطفی زوجین تقلیل می‌یابد و چندان میلی به ترمیم آن از سوی هیچ‌یک از طرفین دیده نمی‌شود (باستانی و روشنی، ۱۳۸۹). برخی از ازدواج‌هایی که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل^۲ و کید^۳، ترجمه سیدان و کمالی، ۱۳۸۸). در واقع، طلاق عاطفی مقدمه طلاق قانونی به حساب می‌آید، مشکلی که در کشور ایران روزبه‌روز در حال گسترش است. متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق عاطفی را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار آورده و بالا رفتن میزان آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی به حساب می‌آورند (ستوده، ۱۳۹۱). مشکلی که نشانه‌های آن پیش از جدایی کامل دیده می‌شود و گاه زن و شوهر سال‌ها پیش از جدایی قانونی با این احساس درگیر هستند (لاولر^۴، ۲۰۱۸). دبی فورد^۵ (ترجمه آورعی، ۱۳۹۶) طلاق و جدایی را به شش گونه بخش‌بندی می‌کند که یکی از آن‌ها طلاق عاطفی است که آن را بدین در این نوع طلاق، جدایی احساسی و عاطفی بین زن و شوهر اتفاق می‌افتد. هر یک احساس می‌کنند فاصله عاطفی بسیاری از همسر خود دارند، همچنین احساس سرخوردگی، ناامیدی و ناکامی می‌کنند، عصبانی و از شریک خود دلخور هستند. عواطف خود را از یکدیگر دریغ می‌کنند و روی از هم برمی‌تابند، زیرا اعتمادشان به یکدیگر و جذابیتشان برای هم به پایان رسیده است». پل بوهانان^۶

¹ Emotional Divorce

² Steel, Liz

³ Kidd, Warren

⁴ Lawler

⁵ Ford, Debbie

⁶ Bohannon, Paul

طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (۱۹۷۰ نقل از باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹). زیلینکووا و کریدلی (۲۰۱۹)، در پژوهش خود عنوان می‌دارند که تأثیر منفی طلاق در میزان طلاق در سنین بالا، پایین‌تر است. از نظر ستوده و بهاری (۱۳۹۶) در طلاق عاطفی، طرفین هیچ‌گونه عشق و علاقه و صمیمیتی نسبت به یکدیگر نداشته و از مجاورت با یکدیگر هیچ‌گونه لذتی کسب نمی‌نمایند. علیرغم این عدم عشق و علاقه به زندگی با یکدیگر تن داده‌اند و جدا نمی‌شوند. در طلاق عاطفی، زوجین زیر یک سقف می‌کنند درحالی‌که ارتباطات بین آن‌ها قطع شده یا بدون میل و رضایت است (محمدی، ۱۳۸۳). میشل و والر (۲۰۱۸) در پژوهش خود عنوان می‌دارند نتایج تجربی نشان می‌دهد که جدایی والدین به‌عنوان یک اثر فشارقوی عمل می‌کند از جمله علل ماندگاری در طلاق عاطفی و اقدام نکردن برای طلاق قانونی می‌توان از این موارد نام برد: ترس از نگاه دیگران، ضعف امکانات مالی زنان آستانه تحمل پایین زوجین، نقش‌های اجتماعی بالا و داشتن فرزند (دژکام، ۱۳۹۱). اکبری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان به این نتیجه رسیدند که می‌توان به کمک طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان، طلاق عاطفی زوجین را پیش‌بینی کرد. ایمانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان علل ظهور و بروز طلاق عاطفی، پیامدها و شیوه‌های برخورد با آن به بررسی دلایل شایع طلاق عاطفی در جوامع امروز پرداخته است و آن‌ها را بدین‌صورت دسته‌بندی کرده است: آمادگی نداشتن برای ازدواج، ازدواج اجباری، اعتیاد، ازدواج مصلحتی و بچه‌دار نشدن زوجین. شیخ‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دریافتند که سبک هویت و هوش معنوی، دو عامل تأثیرگذار در طلاق عاطفی دانشجویان محسوب می‌شوند. مؤمنی و آزادی فرد (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی به این نتیجه رسیدند بین دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با میزان طلاق عاطفی زنان رابطه منفی معناداری برقرار است و باور به مخرب بودن مخالفت، رابطه نگرش جنسی، توقع ذهن‌خوانی،

باور به عدم تغییرپذیری همسر و کمال‌گرایی جنسی بیشترین نقش را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتند. نریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی زوجین در رابطه بین آسیب‌پذیری‌های بادوام و دل‌زدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق به این نتیجه رسیدند که آسیب‌پذیری‌های بادوام زوجین به‌تنهایی یا به همراه سبک‌های تعاملی زوجین می‌تواند در دل‌زدگی زناشویی در طول زندگی نقش داشته باشد. آزادی، سهامی، قهرمانی و قلی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی به این نتیجه رسیدند که پوشش و ظاهر ناآراسته همسر، عدم رضایت جنسی و رسیدگی بیش‌ازحد همسر به فرزند با طلاق عاطفی رابطه دارند. افیفی و همکاران (۲۰۱۸) در ارتباط با اثرات طلاق و سلامت ذهنی طولانی‌مدت عنوان می‌دارد که زمانی که طلاق عاملی در تحریک رفتاری علیه فرزندان شود و قدرت کنترل این اثرات خارج شود مکانیسمی برای توصیف رابطه سوء در سبک فرزند پروری به شمار می‌آید. گان میت و همکاران (۲۰۱۴) به مطالعه‌ی تعارضات زناشویی در میان ۱۸۵۲۳ زوج نروژی پرداخته‌اند. سوابق نشان داده که میزان طلاق در پنجاه سال گذشته در بسیاری از جوامع غربی افزایش یافته که این امر پیامدهایی منفی برای بزرگسالان و کودکان داشته است. ساموهانو (۲۰۱۳). توانایی برای مدیریت و حل تعارضات با شکل سازنده‌ی می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوجها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند بنابراین زوجینی که توانایی حل تعارضات بالایی دارند سردی رابطه و طلاق عاطفی را کمتر تجربه می‌کنند. قهرمانی (۱۳۸۵) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق سرد [عاطفی] در میان پزشکان و پرستاران شهرستان گچساران» به این نتیجه رسید که متغیرهای اختلاف سن زوجین، اختلاف تحصیلات زوجین، چگونگی نحوه انتخاب همسر، اثر شکست‌های عاطفی قبل از ازدواج، ظاهر همسر، تعداد فرزندان، رسیدگی یکی از زوجین به فرزندان، اثر شغل، ساعات کاری زوجین، فیلم سکس و شبکه ماهواره، اطلاعات جنسی زوجین، ویژگی‌های اخلاقی شخصیتی زوجین و قومیت زوجین می‌توانند رابطه متقابلی با طلاق سرد (عاطفی) داشته باشند. بنابراین پدیده طلاق عاطفی پدیده‌های چندعاملی است؛ بدین‌سان که هرگز یک

عامل به تنهایی نمی تواند، موجبات پیدایش آن را فراهم کند. طلاق عاطفی معلول عوامل متعدد و پیچیده جسمانی، روانی و اجتماعی است. طبق گفته گیدنز^۱، رابطه ناب فقط به خاطر آنچه نفس رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می آورد موردعلاقه و جست و جو است و این روابط تا جایی ادامه می یابد که همه کسانی که درگیر رابطه هستند، احساس رضایت کافی برای ماندن داوطلبانه در رابطه را داشته باشند و فارغ از وابستگی های بیرونی و فقط بر اساس رضایت عاطفی خود در رابطه بمانند (نقل از جلائی پور و گرامیان نیک، ۱۳۹۰). درواقع، ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه ای درآمده که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از هنر همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می شود. رابطه زناشویی در زندگی مانند هر رابطه دیگری دارای جنبه های مثبت و منفی است (گاتمن، ۲۰۰۲، به نقل از مشاک، ۱۳۸۹). از این رو، مسئله اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سؤال است الگو مؤثر پیش بینی کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر پیمایشی و ابزار اندازه گیری و سنجش، پرسشنامه های کیفی و کمی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه است. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری هدفمند و به صورت نمونه گلوله برفی بود و از بین این زوجین شهر کرمانشاه ۱۹ نفر به صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند و به روش مصاحبه نیمه ساختارمند سوالات پرسشنامه را جواب دادند. بنابراین جامعه این پژوهش شامل دو مرحله است، همچنین با توجه به آنکه این پژوهش در دو مرحله انجام گرفته است، نمونه گیری نیز در دو مرحله صورت گرفته است. جامعه آماری این مطالعه در بخش کیفی کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده در شهر کرمانشاه هستند که از بین آنها با روش اشباع نظری (نمونه گیری مختص مطالعات کیفی) تعداد ۱۹ زوج به عنوان نمونه انتخاب شد. دامنه سنی این افراد بین ۲۰ تا ۵۰ سال که بر اساس آمار موجود در مراکز

^۱ Gidenz

مشاوره خانواده در شهر کرمانشاه تعداد این افراد در شروع سال ۹۸-۹۷، ۱۱۰۰ نفر است، از این رو بعد از اخذ مجوزهای لازم کسب شد و تعداد ۵۰۰ نفر از این افراد به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده، در پژوهش شرکت کردند. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۰ نفر است که با میزان خطای ۰/۰۵ سنجیده شده است. در مرحله گردآوری داده‌ها از دو روش کیفی و کمی استفاده شد که در بخش کیفی پرسشنامه باز پاسخ طراحی شده و در طی مصاحبه نیمه ساختارمند با افراد نمونه، پرسشنامه باز پاسخ نیز ارائه خواهد شد و پاسخ‌های باز افراد نمونه، با روش کدگذاری برای پاسخ به سؤال‌های فرعی چهارم و پنجم و سؤال اصلی مورد استفاده قرار گرفت و در بخش کمی برای بررسی چهار پرسشنامه (پرسشنامه الگوی ارتباطی زوجین، پرسشنامه هزن و شیور، پرسشنامه دیانا با مریند، پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن) مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار

روش‌های تحلیل داده‌ها در این تحقیق با استفاده از دو رویکرد کیفی و کمی صورت می‌گیرد. در رویکرد کمی تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری Amos برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. در راستای آمار توصیفی از شاخص‌هایی چون میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی استفاده شد. رویکرد کیفی تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل نظریه داده بنیاد و گزند تئوری و روش کدگذاری انجام شده است و برای تحلیل داده‌های مصاحبه از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در این زمینه کتب و مقالات داخلی و خارجی مرتبط با زمینه‌های پژوهش مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

پرسشنامه طلاق عاطفی: پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن شامل ۱۳ سؤال است

که به شیوه بلی یا خیر جواب داده می شود و از آن به عنوان مکملی در راستای پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. میزان جواب‌های بلی بیشتر، نشان‌دهنده احتمال بالای طلاق عاطفی می‌باشد. روایی این ابزار در پژوهش بیات مختاری تأیید شده است (بیات مختاری^۱، ۲۰۱۳). همچنین صلايانی و اصغری، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰٫۷۴ گزارش کردند (صلايانی و اصغری^۲، ۲۰۱۴). در پژوهش مامی و عسگری آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ۰٫۸۳ ذکر شده است. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید مطلوب گزارش شده است.

پرسشنامه شیوه فرزند پروری: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامرینده از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شده است. ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. میزان پایایی این پرسشنامه را بوری در سال ۱۹۹۱ به روش بازآزمایی انجام داد که ۰٫۸۱ برای آزادگذاری، ۰٫۸۵ برای استبدادی و ۰٫۹۲ برای اقتدار منطقی پدران را گزارش کرد. همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است که مستند بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری ۰٫۵۰ و اقتدار منطقی ۰٫۵۲ او دارد. در انستیتو روان‌پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی (۲ نفر دکترای روان‌شناسی، یک نفر روان‌پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان‌شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان‌شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان

¹ Bayat Mokhtari

² Salayani, AsghariEbrahimabadi

نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج به دست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است. این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۰,۶۹، برای استبداد ۰,۷۷ و اقتدار منطقی ۰,۸۳ گزارش کرده است.

پرسشنامه الگوی ارتباطی زوجین: ممکن است هر فردی در زندگی مشترک خود مشکلاتی را تجربه کند و برای حل این مشکلات تلاش‌هایی را انجام دهد. هدف پرسشنامه حاضر این است که بدانیم معمولاً زوجین چگونه با مشکلاتی در روابطشان ایجاد می‌شود؛ کنار می‌آیند. هر سؤال در یک مقیاس از ۱ (خیلی غیرممکن است) تا ۹ (خیلی امکان دارد) ارزیابی می‌گردد.

پرسشنامه سبک دل‌بستگی: این مقیاس توسط هزن و شیور (۱۹۸۷) ساخته شده و در ایران توسط رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۳) بروی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان هنجاریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ گویه است که به هر یک از سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۵ گویه تعلق می‌گیرد. نمره‌گذاری در مقیاس لیکرت از هرگز (نمره ۰) تا تقریباً همیشه (نمره ۴) صورت می‌گیرد. نمرات خرده مقیاس‌های دل‌بستگی هر فرد ارزش‌های عددی گویه‌های مرتبط هر سطح با یکدیگر جمع و بر ۵ تقسیم می‌شود. از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا سؤالاتی را انتخاب کنند که سبک مشخصه آن‌ها را در روابط نزدیک بهتر توصیف می‌کند. تحلیل عامل پرسشنامه هزن و شیور (۱۹۸۷) توسط کولینزورید (۱۹۹۰) به استخراج سه عامل عمده دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط صمیمی و نزدیک تفسیر می‌شود. هزن و شیور پایایی بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰,۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ ۰,۷۸ به دست آوردند. کولینزورید هم پایایی بالایی به آلفای کرونباخ ۰,۷۸ در مورد این ابزار به دست آوردند. هزن و شیور (۱۹۸۷) روایی صوری و محتوایی را خوب گزارش نمودند و روایی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند و پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش رحیمیان بوگر و همکاران (۱۳۸۳) برای کل آزمون سبک دوسوگرا، سبک اجتنابی، سبک ایمن به ترتیب ۰,۷۵، ۰,۸۳، ۰,۸۱ و ۰,۷۷ به دست آمد که پایایی

مطلوبی را نشان می‌دهد. علاوه بر این اعتبار محتوایی و صوری آن توسط چند تن از متخصصان روان‌شناسی (اساتید دانشگاه اصفهان) مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های جمع آوری شده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA صورت گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری SPSS استفاده در بخش کمی برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد مقیاس عملکرد خانواده استفاده شد. از روش‌های آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی و درصد، نمودارهای میله‌ای، شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکنندگی مانند میانگین و انحراف استاندارد) آمار استنباطی (ضریب همبستگی و رگرسیون خطی چندمتغیره) استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد
زن	۱۰۱	۶۶/۰
مرد	۵۲	۳۴/۰
جمع	۱۵۳	۱۰۰

جدول ۱) توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان را در پژوهش حاضر نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد مردان برابر ۵۲ نفر (۳۴/۰ درصد) و تعداد زنان برابر ۱۰۱ نفر (۶۶/۰ درصد) می‌باشند.

جدول ۲. توزیع فراوانی سن پاسخگویان

سن	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۲۵ سال و کمتر	۱۹	۱۲/۴	۱۲/۴
۲۶ تا ۳۵ سال	۵۸	۳۷/۹	۵۰/۳
۳۶ تا ۴۵ سال	۵۱	۳۳/۳	۸۳/۷
بالای ۴۵ سال	۲۵	۱۶/۳	۱۰۰
جمع	۱۵۳	۱۰۰	

جدول ۲ توزیع فراوانی سن پاسخگویان را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش از ۵۰ درصد افراد مورد مطالعه کمتر از ۳۵ سال سن (۷۷ نفر) دارند.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	زیر مقیاس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	K-S	معنی داری
سبک‌های	ایمن	۱۵۳	۱۴/۹۰	۲/۵۲۹	۱/۲۲۹	۰/۰۹۷
دل‌بستگی	اجتنابی	۱۵۳	۱۸/۱۲	۱/۹۳۴	۰/۸۹۶	۰/۳۹۸
	اضطرابی	۱۵۳	۱۵/۰۱	۲/۴۹۵	۱/۳۴۴	۰/۰۵۴
الگوهای ارتباطی	سازنده	۱۵۳	۲۶/۹۵	۲/۶۷۶	۱/۳۳۳	۰/۰۶۳
زوجین	توقع/کناره‌گیری	۱۵۳	۳۶/۴۶	۳/۸۳۰	۱/۳۴۹	۰/۰۵۳
	اجتنابی	۱۵۳	۲۸/۱۵	۶/۰۱۳	۰/۸۶۶	۰/۴۴۱
	سهل‌گیرانه	۱۵۳	۲۵/۴۶	۴/۳۸۹	۱/۰۲۴	۰/۲۲۸

۰/۲۶۳	۱/۰۱۱	۵/۸۹۳	۲۵/۵۱	۱۵۳	مستبدانه	سبک‌های فرزند
۰/۴۴۱	۰/۸۶۶	۵/۱۷۵	۴۱/۴۰	۱۵۳	مقتدرانه	پروری
۰/۱۸۷	۱/۰۹۲	۲/۴۲۹	۱۷/۶۵	۱۵۳		طلاق عاطفی

جدول ۳) میانگین و انحراف استاندارد زیرمقیاس‌ها و نمرات کل متغیرهای پیش‌بین و ملاک را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار نمره کل طلاق عاطفی به ترتیب برابر ۱۷/۶۵ و ۲/۴۲۹ است. همچنین در این جدول نرمال بودن داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شده است. مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری این آزمون برای هر متغیر بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده لذا نتیجه می‌شود که داده‌های هر متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد نرمال می‌باشند.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین طلاق عاطفی با متغیرهای پیش‌بین

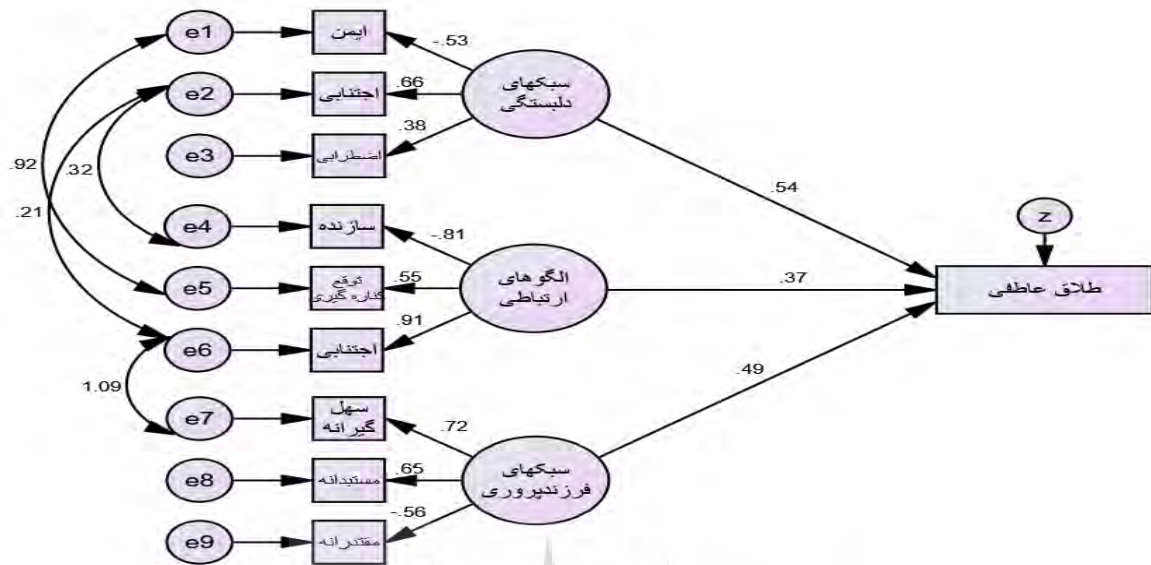
		الگوهای ارتباطی زوجین					سبک‌های دل‌بستگی		
		سبک‌های فرزند پروری							
مقتدرانه	مستبدانه	سهل‌گیرانه	اجتنابی	رقیب	سازنده	اضطرابی	بند	بند	بند
									ضریب
									طلاق
									همبستگی
									عاطفی
									معنی‌داری
-۰/۳۲۶	۰/۳۸۵	۰/۲۲۸	۰/۱۹۹	۰/۳۵۵	-۰/۴۰۰	۰/۲۸۴	۰/۱۸۰	-۰/۳۰۵	
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲۶	۰/۰۰۱	

جدول ۴) همبستگی بین طلاق عاطفی با ابعاد متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، الگوهای ارتباطی زوجین و سبک‌های فرزند پروری را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود مقادیر ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سبک دل‌بستگی ایمن، الگوی ارتباطی سازنده و

سبک فرزند پروری مقتدرانه با طلاق عاطفی به ترتیب برابر $0/305$ ، $0/400$ و $0/326$ بوده و در سطح $P < 0/05$ معنی دار می‌باشند، لذا نتیجه می‌شود بین نمرات این سه متغیر با نمرات طلاق عاطفی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. جهت بررسی میزان همبستگی و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای ملاک به روش مدل مفهومی از روش معادلات ساختاری استفاده شد. در بررسی برازش مدل شاخص‌های مختلفی ارائه شده است که معروف‌ترین این شاخص‌ها در قالب CFI، CMIN/df، GFI، AGFI، NFI، IFI، TLI، RMR و RMSEA معرفی شده است. هر یک از این شاخص‌ها معرف بخشی از برازش مدل می‌باشد و اعداد مورد قبول برای هر شاخص متفاوت می‌باشد. جدول ۵ نشان‌دهنده مقدار قابل قبول برای هر شاخص می‌باشد (هومن، ۱۳۹۰).

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل و حد قابل قبول آن‌ها

شاخص	TLI	IFI	NFI	CFI	GFI	AGFI	RMR	CMIN/df	RMSEA
مقدار قابل قبول	$> 0/90$	$> 0/90$	$> 0/90$	$> 0/90$	$> 0/90$	$> 0/90$	-	< 3	$< 0/08$



شکل ۱. مدل ساختاری اصلاح شده با برآورد ضرایب استاندارد

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی الگوهای پیش‌بینی کننده طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه است. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که سبک‌های دل‌بستگی بر طلاق عاطفی زوجین مؤثرند. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های شیخ‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، سودانی و همکاران (۱۳۹۵)، اکبری و همکاران (۱۳۹۵)، ایمانی (۱۳۹۱)، زلیکووا و کریدلی (۲۰۱۹)، میشل و والر (۲۰۱۸) هم‌سو و هم‌راستا است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای مهم و کوچک‌ترین واحد اجتماع اساس تشکیل جامعه و حفظ و انتقال ارزش‌ها و عواطف انسانی است. اگرچه امروز در جهان معاصر در کشورهای توسعه‌یافته یا برخی از کشورهای درحال توسعه بنیاد نهاد خانواده در هم‌شکسته است که این امر متأثر از کم‌رنگ شدن و از بین رفتن بسیاری از ارزش‌های دینی و اعتقادی است، اما جهان شرق و بسیاری از کشورهای جنوب بنا به جهان‌بینی‌های اعتقادی و دینی خود مسلط بر ارزش‌های فرهنگی بر ثبات و استمرار نهاد خانواده تأکید می‌ورزند. در واقع رابطه زناشویی و ازدواج پیوند دو شخصیت است، بنابراین ضروری است که در تحلیل اختلاف بین زوجین با دیدگاهی آسیب‌شناختی به علل درون فردی ناسازگاری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته شود و نقش عوامل شخصیتی در رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. هر یک از همسران با پیشینه تحولی و سبک شخصیتی و ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهایی مانند سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. یکی از عوامل مهم که در سال‌های اخیر به آن توجه شده است و بر روی رضایت زناشویی تأثیر دارد تجارب اولیه فرد با والدین و یا نوع رابطه عاطفی فرد با والدین خود در دوران کودکی است. برخی از مطالعات تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه فرد در دوران کودکی می‌تواند هویت وی را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد در رابطه طرفداران نظریه دل‌بستگی توجه

زیادی به این مورد داشته‌اند. این نظریه معتقد است نوع رابطه مادر- کودک در سال‌های اولیه زندگی و میزان قابلیت دسترسی به مادر، میزان حمایت مادر هنگام احساس خطر، درجه حساسیت مادرانه و تکیه‌گاه ایمن بودن مادر برای کودک تا بتواند به کاوش در محیط پیردازد سبک دل‌بستگی فرد را معین می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دل‌بستگی افراد بر طلاق عاطفی مؤثر است. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که الگوهای ارتباطی زوجین بر طلاق عاطفی زوجین مؤثرند. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های شیخ‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، سودانی و همکاران (۱۳۹۵)، مؤمنی و آزادی فرد (۱۳۹۵)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، آزادی و همکاران (۱۳۸۹)، افیفی و همکاران (۲۰۱۸) هم سو و هم‌راستا است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که بیشتر جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده‌اند و شاید هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نتواند ادعای سلامت کند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده باشد؛ بنابراین از آنجاکه خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و منشأ جامعه‌ی سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته‌ی کنکاش تحقیقات است. یکی از آسیب‌های خانواده طلاق است؛ درحالی‌که امروزه بیشتر ازدواج‌ها با عشق تحقق می‌یابد و هر دو طرف قصد دارند به یکدیگر و تعهداتشان در مقابل هم احترام بگذارند، اما در طول زمان مسائلی پیش می‌آید که می‌تواند به جدایی، یک‌یک زندگی مشترک بدون احساس، عشق و همراهی منجر شود. برخی از کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در بیشتر مواقع این سیر بروز اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی را طی می‌کند. طلاق عاطفی در واقع به سردی روابط میان زن شوهر گفته می‌شود که این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی به سردی تمام روابط یک زوج منجر می‌شود. امروزه عمیق شدن شکاف عاطفی بین زوجین موجب شده است تا آن‌ها به جدایی در زیر یک سقف برسند و تنها در جوار هم همچون دو همخانه روزگار را بدون ابراز محبت سپری کنند. سیستم

دل‌بستگی به دستگامی تنظیم کننده گفته می‌شود که فرض می‌شود این سیستم در درون فرد وجود دارد و هدف آن تنظیم رفتارهایی است که موجب برقراری تماس با فردی است که تکیه‌گاه نامیده می‌شود. هدف این سیستم در فرد دل‌بسته از لحاظ روانی معطوف به ایجاد احساس امنیت است. محققان دل‌بستگی را پیوند عاطفی عمیق فرد با افراد خاص در زندگی تعریف می‌کند به طوری که باعث می‌شود وقتی با آن‌ها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شغف کنیم و به هنگام استرس از این‌که آن‌ها را در کنار خود داریم احساس آرامش می‌کنیم. از طرفی دل‌بستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت، مراقبت، و آسایش است. عملکرد جنسی نیز عبارت از آرزوی نوازش، تماس نزدیک، و بالاخره انجام اعمال جنسی است. میل جنسی در هر انسانی به طور طبیعی وجود دارد و در تمام مدت زندگی ادامه پیدا می‌کند. اگر این میل به خوبی کنترل شود و عاقلانه اداره شود وضع طبیعی آن ادامه پیدا می‌کند، اما اگر پیش رفت آن در یکی از مراحل متوقف بماند، به مشکلات و اختلالات جسمی یا روانی منجر می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی زوجین بر طلاق عاطفی زوجین مؤثرند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد که سبک‌های فرزند پروری بر طلاق عاطفی زوجین مؤثرند. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج حاصل از پژوهش‌های شیخ نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، سودانی و همکاران (۱۳۹۵)، اکبری و همکاران (۱۳۹۵)، نریمانی و همکاران (۱۳۹۴)، قهرمانی (۱۳۸۵)، افیفی و همکاران (۲۰۱۸)، گان میت و همکاران (۲۰۱۴)، ساموئانو (۲۰۱۳) هم سو و هم راستا است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که اساس تشکیل خانواده در نظام الهی رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار می‌شود؛ بنابراین از آنجاکه خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و منشأ جامعه سالم، خانواده سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، از امور مهم است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان‌دهنده میزان ناکامی همسران در

زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن، آمار بزرگ‌تری به طلاق عاطفی اختصاص دارد. در واقع برخی ازدواج‌ها با طلاق پایان پیدا نمی‌کنند، بلکه به ازدواج‌های توخالی که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند تبدیل می‌شوند. طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که احساس بیگانگی، جایگزین آن می‌شود و طرفین هیچ عشق و صمیمیتی نسبت به یکدیگر نداشته و از مجاورت با یکدیگر لذتی کسب نمی‌نمایند. گرچه همه‌ی افراد در دوران کودکی نوعی سبک دل‌بستگی را شکل می‌دهند، اما این باور وجود دارد که تفاوت‌های فردی در دل‌بستگی مستقیماً به‌وسیله‌ی رفتارهای مراقبتی نمادهای دل‌بستگی و نه به‌وسیله‌ی فاکتورهای کودک تعیین می‌گردد. اهمیت حساسیت و پاسخگو بودن در شیوه‌ی فرزند پروری را در شکل دادن رشد بهنجار و ناسازگار در دوران کودکی مورد تأکید قرارداد و پژوهش‌های بعدی ثابت کردند که دل‌بستگی پیامدهای مهمی برای ایمنی و سازگاری روان‌شناختی در نوجوانی و بزرگسالی دارد. در متون موجود، حمایت‌های زیادی برای یک ارتباط نظری بین سبک‌های مراقبتی والدین و سبک‌های دل‌بستگی کودک وجود دارد. سبک فرزند پروری را به‌عنوان منظومه‌ای از نگرش‌ها و رفتارها تعریف کردند که جو عاطفی فراگیری ایجاد می‌کند که ماهیت تعامل‌های والد کودک را مشخص می‌سازد. این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. عواملی از جمله نبود آمار رسمی، جدید و واضح از طلاق عاطفی در کل کشور و در شهر کرمانشاه، انتقاد به پرسشنامه طلاق عاطفی به دلیل دوگزینه‌ای بودن آن و نداشتن طیف، نداشتن قابلیت تعمیم نتایج این مطالعه به دیگر شهرها و همچنین کمبود پژوهش‌های انجام‌شده توسط پژوهشگران در زمینه موضوع مورد مطالعه، محقق را در جمع‌آوری اطلاعات با محدودیت‌های مواجه نمود. بنابراین، از آنجاکه پیشگیری بسیار ساده‌تر از درمان است، برای داشتن خانواده‌ای سالم و بالنده و بالطبع جامعه‌ای سالم، باید در حوزه آسیب‌های خانواده نیز به رویکرد پیشگیرانه توجهی ویژه داشته باشیم. لذا نیاز است مدیران نظام سلامت به این مسئله توجه داشته باشند و از طریق اقداماتی همچون آموزش و مشاوره قبل از ازدواج به زوجین در خصوص

شناسایی عوامل زمینه‌ساز طلاق عاطفی و مشاوره در مورد آن‌ها به خانواده‌ها توسط سازمان‌های مربوط، موجب افزایش انسجام خانواده‌ها و ایمن شدن آن‌ها در برابر این پدیده‌های نوظهور بشوند.

منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، روانشناسی رابطه‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- استیل، لیز و کید، وارن (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی مهارتی خانواده، (مترجمان: سیدان و کمالی، ۱۳۸۸).
- اکبری، ابراهیم؛ عظیمی، زینب؛ طالبی، سعیده؛ فهیمی، صمد (۱۳۹۵)، پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مؤلفه‌های آن، دو فصلنامه علمی - پژوهشی، روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص: ۷۹-۹۲.
- ایمانی، محسن (۱۳۹۱). «علل ظهور و بروز طلاق عاطفی، پیامدها و شیوه‌های برخورد با آن». مجله پیوند، شماره ۳۹۳، ۲۱-۲۷.
- آزادی، شهدخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا؛ قلی‌پور؛ گلنار (۱۳۸۹). «ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران»، فصلنامه زن و بهداشت، شماره ۳: ۱۰۱-۱۱۷.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹)، طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۳)، صص ۲۰-۱.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی؛ علل و شرایط میانجی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۳: ۱-۲۰.

- پروین، ستار؛ داوودی، مریم و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴ (۵۶)، ۱۱۹-۱۵۴.
- جلایی پور، حمیدرضا؛ گرامیان نیک، محمد (۱۳۹۰). «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز». دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۱: ۱۹-۵۲.
- خدایاری فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳ (۱۰)، ۶۲۰-۶۱۱.
- دژکام، محمدرضا (۱۳۹۱)، زندگی زناشویی خود را متحول کنیم (راهکارهایی برای حفظ زندگی زناشویی)، تهران: نشر ذهن آویز.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسان انحرافات، چاپ اول، تهران: انتشارات آوای نور.
- ستوده، هدایت‌الله؛ بهاری، سیف‌الله (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات ندای آریانا، ص ۱۹۳.
- ستوده، هدایت‌الله؛ و بهاری، سیف (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- سودانی، منصور؛ کریمی، سهیلا؛ شیرالی نیا، خدیجه؛ (۱۳۹۵)، اثربخشی مشاوره با تأکید بر نظریه انتخاب در کاهش طلاق عاطفی زوجین، روانشناسی خانواده، ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۲، ۸۳-۹۲.
- شیخ نژاد، حسن؛ صائمی، حسن؛ اکبرداغی، حمزه (۱۳۹۷)، رابطه سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل، مجله سلامت و مراقبت، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷.

- فورد، دبی (۱۳۹۶)، جدایی معنوی (مترجم: آورعی، سوسن)، تهران: انتشارات کلک آزادگان، چاپ دوم.
- قهرمانی، زهرا (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق سرد میان پزشکان و پرستاران شهر گچساران، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه پیام نور گچساران.
- محمدی، زهرا (۱۳۸۳)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰؛ تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- مؤمنی، خدا مراد؛ آزادی فرد، صدیقه؛ (۱۳۹۵)، رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی، دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره غنی‌سازی خانواده، ۱(۲)، ۳۴-۴۵.
- مشاک، رؤیا (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های عشق (صمیمت، لذت و تعهد) با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل زن و فرهنگ
- نریمانی، محمد؛ پوراسمعی، اصغر، میکائیلی، نیلوفر؛ حاجلو، نادر؛ (۱۳۹۴)، نقش واسطه‌ای الگوهای تعاملی زوجین در رابطه بین آسیب‌پذیری‌های بادوام و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق، راوشناسی خانواده، ۱۳۹۴، دوره ۲، شماره ۲، ۶۶-۵۱.
- یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، منصور و کشاورز، حمید (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی، ۲(۶)، ۱۵۹-۱۸.

- Allendorf, K., Ghimire, D.J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research*; 42(1), 59-70.
- Baumerind, D. (1973). The Effects of authoritative Parental Control on Child Behavior. *Child development*; 37(2), 887-907.
- Bayat Mokhtari, S. (2013). The effectiveness of group therapeutic reality therapy on reducing emotional divorce and its psychological consequences. Thesis for Master degree. Mashhad Ferdowsi University, [Persian].
- Burnette, J., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington, E., & Bradfield, E. (2000). Insecure attachment and depressive symptoms; the mediating role of rumination empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences*, 46, 276-280.
- Coolins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment working models and relationship quality in dating couplels. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644 – 663.
- Esfandiari, H. (1995). Reliability and validation of scale for the measurement Parents child rearing practices and relationship its life skills in high schools students Minab. *Hormozgan state researches education*, 71-72. [Persian]
- Gan-mette, B., & KariSlining, R. (2014) Relationship dissatisfaction and other risk factors for future relationship dissolution: a population-based study of 18, 523 couples, *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 49, 109-119.
- Kiecolt-Glaser, J.K., Glaser, R. (2001). Stress and immunity: age enhances the risks. *Current Directions in Psychological Science*; 10(1), 18-21.
- Lawler, M. (2018). *Transitioning Through Divorce: The Six Types of Divorce*”. Stillwater, OK: Oklahoma State University Cooperative Extension Service. Retrieved July10, 2013 from [http:// pods.dasnr.okstate. edu/docushare/ dsweb/Get/ Document-2412/T-2234](http://pods.dasnr.okstate.edu/docushare/dsweb/Get/Document-2412/T-2234).

- Musaei, M. (2011). The Relationship between divorce and Economics-Social variables in Iran. British journal of Arts and social science, 1(2), 68-76.
- Salayani, F., AsghariEbrahimabadi, M. (2014). Comparison of emotional divorce in introverted and outspoken individuals. Third conference on social workers of Iran. Islamic Azad University Ghonabad, 3-4 Persian].
- Somohano, V. C. (2013). Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships (Doctoral dissertation, Humboldt State University).

Presenting patterns of emotional divorce in couples in Kermanshah city

Abstract

The purpose of this study was to provide predictive models of emotional divorce in couples in Kermanshah. The survey method, and the instrument for measuring and measuring, are qualitative and quantitative questionnaires. The statistical population of this study includes all couples referring to counseling centers in Kermanshah. Sampling method was a purposeful sampling and a sample of snowball. Among these couples in Kermanshah, 19 people were selected using purposeful and snowball method. Semi-structured interviews answered the questionnaire questionnaire. Also, in the second part of this research, after reaching the conceptual model of the research, the statistical population included all couples referring to counseling centers in Kermanshah, numbering 500, and the sampling method was available in this section by sampling. The number of sample members was 170 using the Cochran formula. The questions were analyzed by MAXQDA 2018 software and analyzed using this software. The results were analyzed in three stages of open, pivotal and selective coding and the conceptual model of the research was extracted. Then, the conceptual model of the research Using AMOSS software, 24 items were fitted and the research hypotheses were examined. The results showed that parenting styles had a positive and significant effect on emotional divorce. The results showed that attachment styles affect emotional divorce. Also, communication styles have a positive and significant effect on emotional divorce.

Key words: emotional divorce, attachment styles, communication styles, parenting styles.